

## راه بُدهیستوه

ابوالفضل محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

قانون رنج جهانی و یا به تعبیر بودا حقیقت شریف رنج (دو کله)، از آزمون‌های اصلی بودایی به‌شمار می‌رود. به جز راه هشتگانه، که بودا خود برای توقف رنج و یا رهایی از آن مطرح نمود، بودائیان پس از او نیز راه‌های دیگری را مطرح کردند که از جمله آنها راه بُدهیستوه است، که در آیین مهاییانه بر آن تأکید شده است. اندیشه بُدهیستوه یا «بودای آینده»، از همان آغاز پیدایش آیین بودا با الهام از زندگی تاریخی و اسطوره‌ای او مطرح شد، اما بسط و گسترش اصلی آن مرهون آیین مهاییانه است. گسترش این آموزه در این آیین با مبنای اصلی مهاییانه که جمعی بودن نجات و نیاز به منجیان از سویی، و تأکید بر عنصر شفقت و محبت نسبت به دیگران، از سوی دیگر است، پیوند دارد. بُدهیستوگان کسانی هستند که به دلیل شفقت و محبتی که نسبت به دیگران دارند، دستگیری و نجات همه موجودات را هدف خود ساخته و از رهایی فردی که در شرایطی برای آنها میسر می‌شود، سر باز می‌زنند. راه بُدهیستوه با «بیداری دل» و «سوگند» پذیرش این وظیفه آغاز می‌شود و پس از گذر از مقامات دهگانه‌ای که در هر کدام از آنها بُدهیستوه کمال و فضیلتی را در خود محقق می‌سازد، سرانجام به بوداگی می‌انجامد.

### کلید واژه‌ها

بُدهیستوه، دو کله، پرچنا، ارهت، پارمیتا، اوپایه.

### مقدمه

در تفکر بودایی سه اندیشه را می‌توان به عنوان اندیشه‌های بنیادین بودا معرفی کرد. این

---

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی - واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

سه اندیشه عبارتند از: اصل بی‌ثباتی یا انیچه (anicca)، اصل بی‌خودی یا انتا (anatta) و قانون رنج یا دوکّه (dukkha). براساس اصل اول، بودا همه‌چیز را در حال صیروت و شدن می‌داند و هرگونه ثبات را نفی می‌کند. براساس اصل دوم، او برخلاف عقیده رایج آئین بر همنی، وجود آتمن یا خود مستقل را که در جریان سمساره از شخصی به شخص دیگر قابل انتقال باشد، انکار می‌کند و هویت کاذب فردی را متشکل از سکهنده‌ها (skhandas) یا توده‌های پنجگانه‌ای می‌داند که با مرگ متلاشی می‌شوند. اما قانون رنج، یا حقیقت شریف رنج را شاید بتوان هسته مرکزی تفکر بودا و دل مشغولی اصلی او دانست، که گویا سایر اندیشه‌های او در ارتباط با آن و برای تحلیل آن شکل گرفته‌اند.

براساس این اصل، که بودا اولین بار آن را در خطابه باغ آهوان (آهوی اینسپتته inspatana) مطرح کرد، همه هستی و هرآنچه دستخوش دایره وجود است، رنج است و این امر همه نمودهای وابسته به زندگانی همچون تولد و پیری و مرگ، پیوستن و گسستن و غیره را دربرمی‌گیرد. حتی شادی‌های دنیوی نیز از آن جهت که گذرا و ناپایدارند، هم آغوش رنجند:

«ای راهبان این است حقیقت شریف رنج: زاده شدن رنج است، پیری رنج است.

بیماری رنج است، مرگ رنج است.

پیوستن به آنچه دوست نمی‌داریم و گسستن از آنچه دوست می‌داریم رنج است؛

به آرزو نرسیدن رنج است؛ و در یک کلام پنج گروه [موضوعات] وابستگی<sup>۱</sup>،

رنجند»<sup>۲</sup>.

1. grasping، این پنج گروه عبارتند از: rupa (جسم یا صورت)، vedanā (احساسات)، sannā (ادراک)،

sankhāra (نتیجه تجربیات پیشین) vijñāna (آگاهی یا شعور ذاتی)

2. I.B.Horner (trans.) Mahāvagga I in *The Book of the Discipline*, quoted by Gwilym Beckerlegge, P. 342.

بودا در تحلیل این رنج، منشأ آن را عطش بوجود آمدن می‌داند که خود معلول دل‌بستگی است و راه درمان آن را قطع این دل‌بستگی می‌داند، که از طریق عمل به اصول هشتگانه که مقدمه‌رهایی و وصول به نیروانه است، حاصل می‌شود. مسئله رنج، پس از بودا نیز دغدغه اصلی بودائیان باقی ماند و شیوه رهایی از آن موضوع اصلی تأملات عرفانی و فلسفی اندیشمندان و مکاتب مختلف بودایی شد. به تدریج و در طول زمان، بودائیان براساس زمینه‌ها و توانایی‌ها و شرایط فکری و فرهنگی خود روشهایی را برای دستیابی به رهایی و گریز از رنج مطرح ساختند. بدین‌سان فرقه‌ها و اندیشه‌هایی بوجود آمدند که گاه با تعالیم اولیه بودا نیز چندان سازگار نبودند.

علاوه بر راه عمل به اصول هشتگانه که همچنان مورد توجه پیروان فرقه اقلیت بودایی یا هینه‌یانه است، راه‌های دیگری نیز به ویژه در مکتب مه‌ایانه مطرح شد از قبیل: راه معرفت، راه ایمان و توکل، که معادل شیوه بهکتی هندویی است، راه نیایش و راه بدهیستوه.

موضوع این نوشتار شناخت ویژگی‌های راه اخیر و نیز مسائل مربوط به بدهیستوه مثل زمینه تاریخی اندیشه بدهیستوه، نقش‌ها و وظایف بدهیستوه، انواع بوداها و بدهیستوه‌ها، تفاوت آنها با آر‌هت‌ها و... است.

### مفهوم بدهیستوه و پیشینه آن:

واژه بدهیستوه از دو جزء «بودهی» و «ستوه» تشکیل شده که اولی به معنای «معرفت» و دومی به معنای «ذات» و «جوهر» است. در این صورت معنای آن معادل «کسی که ذاتش معرفت کامل است» خواهد بود. اما مطابق فرهنگ بومی، «ستوه» به معنای تصمیم‌گرفتن است و مفسری بودایی آن را معادل ابهی پرایه (abhiprāya) دانسته که به معنای توجه و نیت است. از این‌رو، بدهیستوه به معنای «کسی که توجهش معطوف

به معرفت کامل است» می‌شود.<sup>۱</sup> بدین لحاظ، معمولاً بدهیستوه را «بودای آینده» یا «کسی که در راه نیل به معرفت کامل است»، می‌دانند. در آئین مهاییانه این واژه به معنای موجود زنده‌ای (معمولاً و نه لزوماً انسان) است که در مسیر طولانی روشن‌شدگی یا بوداگی قرار گرفته است و با آنکه امکان ورود به نیروانه را دارد، از سر اختیار از ورود به آن سرباز می‌زند، با این امید که بتواند نیازمندان و طالبان را در طول زنجیره بسیار طولانی زندگی‌های مکرر، هدایت و راهنمایی کند و به رهایی برساند.

کاربرد اصلی این واژه مربوط به زندگی‌های پیشین بودا شاکیمونی است، اما بعدها اعتقاد به وجود بدهیستوه‌های دیگر در سال‌های نامتناهی گذشته و بدهیستوه بودن بودای آینده، یعنی میتریه (Maitreya) نیز بوجود آمد. اصل اعتقاد به کثرت بوداها به طور قطع و به گواهی دو سنت پالی و سنسکریت، امری کهن و دیرپاست و منابع هینه‌یانه با وجود التزام به محدود بودن تعداد بوداها، سی‌وچهار بودا قبل از شاکیمونی را ذکر می‌کنند.<sup>۲</sup>

اندیشه بدهیستوه در آئین بودای اولیه نیز در میان مردم رواج داشت و در همان زمان شمار زیادی از متون جاتکه (jātaka) که دوره‌های پیشین زندگی بودا و شغل و وظایف بودای آینده را مورد بحث قرار می‌دهند، بوجود آمده بود. با وجود این، در ادبیات قدیمی‌تر اشاره‌ای وجود ندارد که شاکیمونی و یا شاگردان بی‌واسطه او از مؤمنان دعوت کرده باشند که از بوداهای پیشین یا خود آنها تبعیت کنند تا بودا شوند. برخی گفته‌اند<sup>۳</sup> فکر اولیه وجود زنجیره‌ای از بوداها، زمینه را برای اعتقاد به بودای آینده یعنی بدهیستوه میتریه فراهم ساخت و بعدها امکان وجود بوداهایی دیگر در سراسر جهان بیکران مطرح شد. مثلاً ممکن است در شمال غربی هندوستان آگاهی مبهم نسبت به خدای اهورامزدا، به اعتقاد به یک بودای

1. L. Poussin, p. 739; Radhakrishnan, Vol. I, p. 600.

2. L. Poussin, loc. cit.

3. Amitabha

بزرگ باختری مشهور به آمیتابه<sup>۱</sup> یا «نور بی‌پایان»، یا آمتایوس یا «زندگی بی‌پایان» انجامیده باشد. در باورهای هندی، این بودای باختری با بودای خاور، یعنی اکشوبه<sup>۲</sup> یا «تشویش‌ناپذیر» که به لحاظ شمایل‌کشی همان شاکیمونی در وضعیت گواه گرفتن زمین است، برابر گرفته شد. این دو، به ضمیمه سه بودای دیگر، بوداهای پنجگانه را که گاه دهیانی بودا<sup>۳</sup> یا بودای تأمل‌نامیده می‌شوند، شکل دادند که گویا در مرحله توسعه اولیه خود تجسم مشخص جنبه‌های گوناگون شاکیمونی بوده‌اند.

در آئین بودای اولیه، الگوی اصلی بوداها و بدهیستوها زندگی پیشین بودا شاکیمونی بود و ساختار اسطوره‌ای زندگی او بر سایر بوداها در بقیه ادوار نیز حکمفرما بود، به گونه‌ای که می‌توان اعتقاد به بدهیستوها را ادامه طبیعی و نتیجه تصور بودائیان از داستان زندگی بودای تاریخی و زندگی‌های پیشین او دانست، چنان که به تدریج وظایفی که برای او در نظر گرفته می‌شد، به صورت اموری که دیگران نیز می‌توانند عهده‌دار آن باشند پنداشته شد. همه آنها کار خود را با نذر یا سوگندی آغاز می‌کنند و با عمل به برخی وظایف دینی خود را به کمال می‌رسانند تا به روشن‌شدگی و بصیرت نایل شوند؛ با این همه، تا این زمان راه بدهیستوه راه اندکی از موجودات تلقی می‌شد که در شایع‌ترین باور، هشت یا بیست و پنج مورد بودند و ظهور آنها در جهان بسیار نادر انگاشته می‌شد.<sup>۴</sup>

در «مقدمه‌ای بر جاتکه»، متنی مربوط به قرن پنجم میلادی، زندگی اسطوره‌ای بودا شاکیمونی چنین گزارش شده است:

«چهار دوره بی‌شمار (اسنکهییه asankhya) و صد هزار عصر (کلپه kalpa) گذشت

1. Akshobhya  
2. Dhyani buddha

۳. نک: رینولز، فرانک، ص ۳۰۳.

4. Nakamura Hajim, P. 266; Edward J. Thomas, P. 200

تا آنکه شاکیمونی که پیشتر نام سومدهه (sumedha) را با خود داشت، از طریق نیل به مقام ارهتی، نیروانه را کشف کرد. او براساس سوگندی که یاد کرده بود، برای بودا شدن از نیروانه چشم پوشید و یک بدهیستوه شد... [چون بودا شدن او را پیشگویی کرده بودند] و اکنون او می‌دانست که یک بذر یا جوانه بوداست، از این‌رو با جدیت تمام به کسب فضایل دهگانه‌ای که به بوداگی می‌انجامد کوشید. دوره او در ضمن تولدهای بی‌شمار در قالب حیوان و انسان و الهه ادامه یافت و در پایان شاکیمونی در بهشت برین به صورت پادشاه خدایان توشیته (Tusita) [بهشت خدایان و بودایان آینده] متولد شد. او در این مرحله که یکصد هزار سال قبل از نیل به بودهی یا روشن‌شدگی است، تشویق و تحسین خدایان را که موفقیت قطعی بودای آینده را پیشگویی می‌کنند، برانگیخت و سرانجام با ترک تخت پادشاهی توشیته، از رحم مایادوی (Mayadevi) زاده شد و آخرین مرحله زندگی خود را به صورت انسان زندگی کرد و زیردرخت به روشن‌شدگی و اشراق نایل گشت و در بده گیا (Bodh Gaya) به نیروانه داخل گردید.<sup>۱</sup>

بنابراین، می‌توان گفت که اندیشه بدهیستوه از همان آغاز و تحت تأثیر باورهای که در مورد زندگی تاریخی و پیشین بودا شاکیمونی وجود داشت بوجود آمد، اما تأکید بر این اندیشه و گستره مصادیق آن، و نیز وظایف و مراحل که برای پیمودن راه بدهیستوه در نظر گرفته می‌شد، در بین گروههای مختلف بودایی یکسان نبود. بنابر آنچه شواهد نشان می‌دهد، از حدود قرن دوم پیش از میلاد با پیدایش گرایش‌هایی بهکتی گونه (مکتب پرستش، خلوص و سرسپردگی) در آیین بودا، پرستش بدهیستوه‌ها نیز آغاز شده است.<sup>۲</sup> با این همه، تا پیدایش آیین مهاییانه بودایی در آغاز تاریخ مسیحی، این اندیشه چندان شرح و

1. Quoted by L. Poussin, Ibid., P. 739

2. Edward J. Thomas, PP. 199-200

بسط نیافت، اما تفسیر خاص مکتب مه‌ایانه از بوداگی و راه تطهیر و تقدیس معنوی، این مفهوم را از کاربرد اولیه‌اش به ابزار و وسیله رستگاری جهانی تبدیل کرد<sup>۱</sup>. با همه اهمیت‌های که این آموزه در آیین مه‌ایانه دارد، شاید نتوان این مکتب و یا هیچ مکتب دیگری را به عنوان خاستگاه این آموزه مطرح نمود، به گونه‌ای که سایر مکاتب این آموزه را از آن گرفته باشند. تصور بودا به عنوان انسانی که در طول زندگی‌های بی‌شمار مجاهده کرد تا به مقصود رسید، در میان گرایش‌های مختلف بودایی، فراتر و مؤثرتر از هر مکتبی می‌تواند باشد. علاوه بر این، حضور گروه‌ها و گرایش‌های مختلف بودایی همچون سروسستی وادین‌ها، مه‌اسنگهیکه‌ها و مه‌ایانی‌ها در کنارهم در دیرها و صومعه‌های واحد، راه را برای هر گونه اخذ و اقتباس و تأثیر متقابل گشوده بود. از این روست که دلیلی برای اعتقاد به خاستگاهی واحد باقی نمی‌ماند.

از جمله دلایلی که موجب شده است که گاه مکتب مه‌ایانه به عنوان خاستگاه این اندیشه مطرح شود این است که زمانی گرایش پالی‌آیین بودایی اولیه به عنوان معیار و در قبال مه‌ایانه در نظر گرفته می‌شد، به گونه‌ای که هرآنچه در آن وجود نداشت به آیین مه‌ایانه نسبت داده می‌شد<sup>۲</sup>.

#### آرمان‌های بودایی: ارهت و بُدهیستوه

تأکید خاص مکتب مه‌ایانه برآموزه بُدهیستوه، با گرایش کلی و دیگر آموزه‌های این مکتب ارتباطی نزدیک دارد. به باور پیروان این مکتب، امکان رهایی و نجات به‌واسطه تلاش و نیروی فردی وجود ندارد و کمک یک منجی امری ضروری است<sup>۳</sup> و این همان

1. Nakamura Hajim, P. 266

2. CF. Edward J. Thomas, P. 200

3. Radhakrishnan, PP. 602-3

وظیفه‌ای است که بدهیستوه به عهده دارد، که خلاف مینا و رویکرد پیروان هینه‌یانه است. در توضیح این مطلب، یادآوری این امر مفید است که براساس باوری بسیار کهن، در سنت بودایی سه راه برای رهایی در نظر گرفته می‌شد که عبارت بودند از راه ارهت، راه بدهیستوه و راهی که به بوداگی می‌انجامید. پویندگان راه اول بر رهایی فردی تأکید می‌ورزیدند و رهروان راه دوم معتقد به آرمان‌هایی عمدتاً اجتماع مدار بودند که بر رستگاری دیگران پای می‌فشرد. اینان بدهیستوه‌های بودایی بودند که با این اعتقاد که رهایی یک فرد مستلزم رهایی همه موجودات است، سوگند می‌خوردند که رهایی خود را به تأخیر اندازند و همچون شاکیمونی که پس از روشن‌شدگی در جهان ماند، آنها نیز در جهان بمانند و محبت مشفقانه به دیگران را تا رسیدن آنها به رهایی مبذول دارند. اما راه سوم مربوط به کسی است که هیچگاه به تعلیم دهرمه (قانون، حقیقت، راه درست) گوش فرانداده، اما با سعی و تلاش خود به طور طبیعی به فهمی از آموزه علیت (که براساس آن ماهیت گذرا و ناپایدار و نامستقل اشیاء آشکار می‌گردد) نایل آمده است. این افراد که پرتیکه بوداها (Pratyeka buddhas) نامیده می‌شوند، تنها به رهایی و بصیرت فردی توفیق می‌یابند و نمی‌توانند همچون بودایان کامل، منتقل‌کننده دهرمه به دیگران باشند. این گروه، در سلسله‌مراتب قدسیان بودایی در حد واسط ارهت‌ها و بودایان کامل قرار دارند که به کمال معرفت رسیده‌اند.<sup>۱</sup>

در آئین مهاییانه نیز سه گروه شرواکه‌ها (śravākas) یا نیوشندگان، پرتیکه بوداها یا بودایان تنهاوتک‌رو، و بدهیستوه‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند؛ پارسایی و زهد ابزار دسته اول، معرفت وسیله دسته دوم، و عشق و اخلاص وسیله‌ای است که دسته سوم به کار

1. Nakamura Hajim, PP. 266-7; Ingrid Fischer-Schreiber, PP. 277-8

می‌گیرند.<sup>۱</sup>

به طور کلی رسیدن به جایگاه معنوی ارهتی مطلوب مکتب هینه یا نه و سلوک راه بُدهیستوه آرمانی است که مه‌ایانه آن را در نظر دارد.

براساس اسناد و مدارک موجود، اندیشهٔ ارهت در حدود یک قرن پس از بودا توسط گروهی از بودایی‌ها بویژه مه‌اسنگهیکه‌ها (Mahāsaṅghikas) بوجود آمد و به معنای مرتبه‌ای بود که از نظر معنوی پایین‌تر از مرتبهٔ بوداگی قرار داشت. این مفهوم که لفظاً به معنای شخص شایسته و محترم است، در آئین هینه‌یانه اهمیتی خاص یافت و به کسی اطلاق می‌شود که در بالاترین مرتبهٔ معنوی و قد است قرار دارد، کسی که در راه فراجاهانی گام برمی‌دارد و اطمینان دارد که از همهٔ آلودگی‌ها پیراسته شده و همه هیجان‌ات و تمن‌ها در وجود او خاموش گردیده و دیگر باز نخواهد گشت. پیامد رسیدن به این مرحله، ورود به نیروانه است.<sup>۲</sup>

در یکی از متون بودایی، یعنی ابه‌ی دهرمه‌کشه‌ویاکه‌ی (abhidharmaśāstra) در مقایسهٔ ارهت و بُدهیستوه، ویژگی‌های بُدهیستوه چنین توضیح داده شده است: «آنها با کنار نهادن خودخواهی ... محبت به دیگران را در خود پرورش می‌دهند، که این امر مولود و نتیجهٔ شفقت است... اما انسان عادی، یعنی پرتیکه و شراوکه، تنها در آرزوی رهایی، یعنی پایان رنج است. در سمساره شادی و سعادت وجود ندارد، زیرا سعادت دنیوی زودگذر جایگاه رنج است. اما انسان متعالی و والا، یعنی بُدهیستوه به بهای رنج‌های شخصی، خواستار خوشی و سعادت و پایان قطعی رنج برای دیگران است، که سعادت و شادی برین است... و برای خودش پایان قطعی رنج یعنی

1. Cf. Radhakrishnan, P. 603

2. Cf. Ingrid Fischer-Schreiber, P. 17; Nakamura Hajim, P. 266.

بوداگی، به عنوان وسیله تحقق بخشیدن به خدمت دیگران<sup>۱</sup>.

تفاوت بدهیستوه با بودا نیز در یکی دیگر از متون مهاییانه چنین بیان شده است: «تفاوت میان بدهیستوه و بودا، همچون رابطه دانه‌ای ماسه با همه زمین، و یا گودالی آب با اقیانوس، و یا حتی بیشتر است»<sup>۲</sup>.

نقد آرمان ارهت و حمایت از اندیشه بدهیستوه، یکی از ویژگیهای مهاییانه است. از نظر مهاییانه، طریق ارهت طریقی است که شاخصه آن توجه به تمرکز نفسی برای رهایی شخص و کسب بصیرتی پائین‌تر از حد کمال به حقیقت اشیاء است، و روشن شدگی ارهت پائین‌تر از روشن شدگی بوداهاست. افزون بر این، پیروان مهاییانه آرمان ارهت را به لحاظ اخلاقی نیز مورد انتقاد قرار داده و سیر انفرادی در طریق بی‌نام و نشان ابدیت و رستگاری انفرادی را که از ویژگیهای راه ارهت است، خودخواهانه و وسوسه شیطان ماره (Māra) دانستند<sup>۳</sup>. در متون مهاییانه چنین بیان می‌شود که اگر خوب بنگریم، غایت اعمال دینی چیزی کمتر از دست یافتن به بینش جهانی، که توسط بودا به دست می‌آید، نیست؛ یعنی اینکه هدف اعمال دینی باید خود بوداگی باشد. علاوه بر این، آنها تأکید می‌کنند که در نهایت بی‌معناست که از رهایی یک فرد سخن بگوئیم، زیرا روشن شدگی به نحوی اجتناب‌ناپذیر مستلزم شفقت و خیرخواهی کاملاً نوع دوستانه برای دیگران است که حکم می‌کند دل نگران سعادت معنوی آنها باشیم. از منظر مهاییانه، همه کسانی که همچون بودا شکیمونی در پی آند که وظیفه دینی خود را با سوگند و نذر آغاز کنند تا بودا شوند و به نحوی خستگی‌ناپذیر برای روشن شدگی دیگران بکوشند، بدهیستوه هستند. راه بدهیستوه برای همه کسانی که صادقانه تصمیم گرفته‌اند تا بودا شوند، گشوده است. علاوه بر این،

1. Quoted by Poussin, P. 740

2. Quoted by Edward Conze, P. 131

3. Cf. Radhakrishnan, PP. 600–602

برخی متون مه‌ایانه اعلام می‌دارند که راهی که به بوداگی ختم می‌شود، تنها راه واقعی است که بودا به تبلیغ آن پرداخت. تمام راه‌های نجاتی که این متون به تصدیق آن می‌پردازند، تنها سیاست‌ها و روش‌هایی هستند که بودا در برابر کسانی که فهم آنها به حد کافی برای تعالیم مه‌ایانه رشد نکرده است، به کار برد.

البته بودهی یا روشن‌شدگی و معرفت کامل، تنها منحصر به بوداها نیست. هر موجودی که به آزادی و نجات نایل می‌شود، چه به عنوان پرتیکه بوداها و یا به عنوان ارهت، می‌تواند به هدف خود برسد، مشروط بر اینکه «شهود حقیقت» در تصور خود، مفهوم وجود و لاوجود، میل به وجود و لاوجود، و غیره را نابود کند. اما بودهی بوداها نه تنها بهره‌مندی از حقیقت را که برای رستگاری اجتناب‌ناپذیر است، در برمی‌گیرد، بلکه همچنین علم مطلق، معرفت جهانی، و در نتیجه قدرت مطلق را نیز شامل می‌شود. بوداهای کامل، این امتیاز منحصر به فرد و یگانه را مدیون تأملات طولانی (که به آنها بصیرت به اصول اشیاء و قدرت تسلط بر آنها را می‌بخشد) و فضایل بی‌انتهای شفقت و محبت خود هستند.

### اقسام بوداها و بدهیستوها:

از منظر مه‌ایانه، هر کدام از بوداها و بدهیستوها به اقسامی تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی انواع بوداها در این مکتب براساس نظریه سه کالبد انجام می‌گیرد. براساس این نظریه بودا دارای سه مرتبه از وجود است:

۱- دهرمه کایه (Dharmakāya) یا پیکر قانون، اشاره به بودای مطلق دارد که در واقع سرشت و جوهره همه بوداهاست و در همه بوداها حضور دارد و با همه متحد است. این بودا غیرقابل توصیف و فراتر از ادراک آدمی است، در واقع دهرمه کایه همان مطلق

است.

۲- سَم بهگه کایه (sambhogakāya) یا پیکر بهجت و سرور، که خود تجلی پیکر پیشین و یا تجلی مطلق است، که شکل دهنده بودایان آسمانی یا دهیانه بوداهاست.

۳- نیرمانه کایه (Nirmanakāya) یا پیکر دگونی و تحول، که همان بودایان زمینی و تاریخی چون شاکیمونی هستند، در نظرگاه مهاییانه اینها نیز تجلیات تأملات بودایان برتر هستند.<sup>۱</sup>

بودایان آسمانی یا دهیانه بوداها (بوداهای تأمل و مراقبه) را نمی‌توان دریافت و افراد معمولی از درک و احساس آنها عاجزاند، تنها بدهیستوه‌های کامل می‌توانند آنها را چونان موجوداتی درخشان ادراک کنند. بودائیان برای بوداهای آسمان حالتی از الوهیت قائل‌اند و آنها را تقدیس و پرستش می‌کنند، به این امید که در بهشت تحت حاکمیت آنها دوباره متولد شوند.

معروفترین دهیانه بوداها عبارتند از: آمیتابهه (Amitabha)، وِیروچنه (Vairocana) اَکْشُبْهیه (Aksobhya)، رَتْسه سَمْبُهوه (Ratnasambhava)، اَمْگَهه سیدیهی (Amoghasiddhi)، که مجموعاً پنج بودای آسمانی را تشکیل می‌دهند.<sup>۲</sup>

به نظر می‌آید که این پنج بودا در مرحله اولیه تحول خود تجسم جنبه‌های گوناگون شاکیمونی بوده‌اند. این گروه نه تنها با مرکز و چهار جهت اصلی جهان یعنی عالم کبیر که به عنوان اتحاد پنج عنصر بزرگ تصور می‌شد، ارتباط دارد، بلکه با عالم صغیر شخصیت انسان که برحسب پنج بخش یا اسکهنده‌ها (skhandas) فهمیده می‌شود، نیز ارتباط پیدا

1. Cf. D. T. Suzuki, PP. 245-6; Peter Harvey, PP. 125-7.

2. Cf. M. Monier Williams, PP. 195-210; Peter Harvey (1990), PP. 129-33; David L. Snellgrove, PP. 133-4

می‌کند.<sup>۱</sup>

این بودایان از راه‌های مختلفی به رستگاری انسانها کمک می‌کنند؛ یکی اینکه آنان آموزگاران بدهیستوها هستند و همانندی بنیادین سمساره و نیروانه را به آنها می‌آموزند؛ دیگر آنکه آنان خدایان بهشت‌های گوناگون‌اند که انسانهای فراوانی طالب تولد مجدد در آنها هستند. مشهورترین این بهشت‌ها، بهشت آمیتابهه است. سرانجام اینکه آنان علت روحانی بودایان زمینی‌اند و اینان پرتوی از نگرش و تأملات آنهاست، که به دلیل محبتشان روشنی بخش راه زمینیان هستند.<sup>۲</sup>

اما بودایان زمینی، همه آنها بودایانی هستند که همچون شاکیمونی تاریخی به صورت جسمانی در جهان ظاهر می‌شوند. اینان مانند انسان‌های معمولی دستخوش، رنج، پیری و بیماری و مرگ می‌شوند، ولی در بدن خود دارای سی و دو نشان و چند قدرت فراطبیعی هستند که آنان را از سایرین متمایز می‌سازد. از این نشان‌ها، یکی چشم آسمانی و دیگر شنوایی آسمانی است.<sup>۳</sup> وظیفه اصلی بوداهای زمینی آموزش دهرمه و هدایت انسانها در جهت رهایی است. بدهیستوها نیز به دو دسته بدهیستوه‌های زمینی یا فرودست و بدهیستوه‌های بزرگ یا «مهاستوه»ها تقسیم می‌شوند.

بدهیستوه‌های زمینی مثلی سایر انسانها و در میان آنها زندگی می‌کنند و تفاوتشان با دیگران این است که از روی همدردی و شفقت نسبت به دیگران، رهایی آنها را بر صلاح خویش مقدم می‌دارند و صبورانه و در کمال از خودگذشتگی به تولدهای پیاپی تن می‌دهند، تا بدین وسیله در کنار موجودات رنج‌کش باشند و به رهایی آنها یاری رسانند.

۱. نک: رینولز، فرانک، ص ۷-۲۵۶ و David L. Snellgrove, loc. cit

2. Cf. D. T. Suzuki, P. 257; Peter Harvey, P. 12.

۳. نک: ولگانگ، شومان، ص ۲۱-۱۱۴.

اما بدهیستوه‌های آسمانی یا «مهاستوه»ها کسانی هستند که مراحل از کمال را طی کرده و به مقام ارهتی رسیده‌اند و در آستانه الحاق به نیروانه، با دغدغه‌رهایی دیگران، از رفتن به آن خودداری کرده‌اند. آنها نیز همچون بودایان آسمانی با حواس ظاهری قابل احساس و ادراک نیستند. آنان با آنکه در جهان سمساری به انجام وظیفه خود می‌پردازند، اما از قیود سمساره آزادند و دستخوش تولدهای مکرر نمی‌شوند. در هنر بودایی برای نشان دادن برتری آنها بر جهان دربند سمساره، آنان را با گوهرهای شاهوار می‌آریند، درحالی‌که تاج پنج‌نوک برسر دارند. مهمترین این شخصیت‌های اسطوره‌ای عبارتند از: اولکیتشوره (Avalokiteśvara)، منجوشری (Manjuśrt)، میتریه (Maitreya)، کشیتی گربهه (kstigarbha) و جره پانی (Vajrapāni).

اولکیتشوره (خدای به عنایت فرد نگرنده): خدای همدردی است که مورد توجه و اعتقاد ویژه قرار دارد و همان خدایی است که به عنوان حامی تبت شمرده می‌شود و در دالایی لاما حلول می‌کند. این بدهیستوه مثل کوان-یین در چین، کانون در ژاپن و کوان سیوم در کره، با همسر مؤنث خود متحد می‌شود. بیش از ۱۳۰ شکل و تصویر از پیکر او وجود دارد که از نظر صفات و حالات و تعداد سر و دست متفاوتند. اغلب بر پوشاک سرش تصویر کوچکی از امیتابه بودای آسمانی وجود دارد، زیرا که در نظام سه پیکر او را دستیار این بودا می‌دانند. صفت برجسته اولکیتشوره هنر و فضیلت همدردی است؛ معتقدند که او برای نجات موجودات تا ژرفای دوزخ‌ها پائین می‌رود. او را در بیشتر لحظات سخت، مثل زمان طوفان‌های سخت و یا گذر از دریا و بیابان‌های پرخطر می‌خوانند. این بدهیستوه از محبوب‌ترین و مشهورترین معبودهای بودائیان است که مؤمنان بودایی پیوسته نام او را با منتره مشهوری تکرار می‌کنند: «اوم مَنی پَدَمِه هوم Om mani padme hum»، یعنی ای

گوهر در نیلوفر هوم<sup>۱</sup>.

### نقش و وظایف بدهیستوها:

بدهیستوها واسطه‌هایی هستند که موجبات وصول انسانها به رهایی و نیروانه را فراهم می‌سازند. مهر بیکران به انسانها و آرزوی رهایی و نیکبختی آنان، که از احساس همدردی و باور به یکسانی ذاتی همه موجودات سرچشمه می‌گیرد، صفت ویژه و برجسته بدهی ستوگان است. آنان در طول سالیان متمادی و نامتناهی اعمال معنوی و رفتارهای نیک، سرمایه‌ای عظیم و گنجینه‌ای از شایستگی‌ها و ارزش‌های دینی و معنوی را ذخیره کرده‌اند که می‌توانند آنها را آزادانه برای کمک به رهایی و رستگاری دیگران به آنها منتقل نمایند و آلودگیهای کرمه‌ای و رفتاری آنان را بزدایند و آنان را شایسته رهایی نمایند. البته با این انتقال، ذخیره خیر و خوبی بدهی ستوگان کاهش نمی‌یابد زیرا از همین کار نیز ثمرات نیک دریافت می‌دارند. بنابراین، ذخیره نیکی و شایستگی معنوی آنها پایان ناپذیر است. عقیده به امکان انتقال این خیرات کرمه‌ای یکی از ممیزات مهیانه از هینه‌یانه است.

سازوکار انتقال این فضایل و بهره‌های معنوی، در این سنت یکسان نیست، اما به‌طور کلی اعتقاد بر این است که در مقطع خاصی از مراحل سلوک، یک بدهیستوه می‌تواند در هر کدام از قلمروهای وجود به شکل و هیئت خاصی درآید و در آنجا آثار خیر و تأثیرات نیکو بر زندگی موجودات ساکن در آن، برجای گذارد. مثلاً می‌تواند در یکی از دوزخها متولد شود تا لطف و رحمتی برای ساکنان آنجا باشد. در یک کلام، بودای آینده باید در خدمت دیگران باشد و در جهت رشد و کمال آنها بکوشد.

۱. نک: ولگانگ، شومان، ص ۱۲۹، ۱۴۳؛

ادوارد کونزه<sup>۱</sup> بوداشناس مشهور، فزازهایی از یک متن مهاییانی را که در آن به ویژگیهای بودهی ستوه اشاره شده، در کتاب خود، متون بودایی در طول اعصار، ذکر کرده است. برخی از این ویژگیها چنین اند:

«او به فراسوی همه آنچه دنیوی است رفته، اما از جهان خارج نشده است. او در جهان، دوره (مأموریت) خود را برای [تجربه] شلاقهای جهان پی می‌گیرد، اما از آلودگیهای جهانی اثر نمی‌پذیرد.

همچون یک نیلوفر آبی که در آب می‌روید اما آغشته به آب نمی‌شود، او نیز با آنکه در همین دنیا زاده می‌شود، اما با دهرمه‌های [رفتارها و کنش و واکنش‌ها] دنیوی آلوده نمی‌گردد.

ذهن او همچون آتش، مدام در کارهای خوب برای دیگران مشتعل است و عنان اختیار از دست داده.

او به واسطه نیروی نفوذ پیشین خود (به حقیقت) و به دلیل آنکه همه تمایزات را پشت سر نهاده، دیگر برای هدایت موجودات زنده و بلوغ و شکوفایی آنها سعی و تلاش نمی‌کند [ = نیازمند چنین تلاشی نیست].

او دقیقاً کسی را که باید تعلیم ببیند و تربیت شود می‌شناسد و می‌داند چگونه و به چه وسیله [باید این کار صورت گیرد]. آیا با آموزش، یا با ظهور جسمانی او و یا با اعمالش و یا حالت<sup>۲</sup> و وضع او.

- بدون آن که روی به سوی بگرداند، ذهن و روحش همیشه گشوده است. او در

---

1. Edward Conze

2. Cf. L. Poussin, P. 741.

جهان موجودات، فارغ از قید و بندها، همچون آسمان به جلو می‌رود و برای [التیام] آثار تازیان‌های موجودات کوشش می‌کند.

- هنگامی که یک بُدهیستوه به این مقام رسید، تا آنجا که به خاطر نجات موجودات، در جهان است. همچون یک تنهاگته (Tathagata) [چنین رفته، یکی از ده صفت بودا، کسی که در مسیر حقیقت به بالاترین بصیرت و شهود نایل شده باشد] است<sup>۱</sup>.

### راه بُدهیستوه : گام‌های اساسی

**بیداری دل:** راه بُدهیستوه با پدیدار شدن بودهی چیتّه (bodhi-citta) ، یا دل بیدار و ذهن هشیار ، یعنی اشتیاق برای بودا شدن برای رهایی خود و کمک به موجودات رنج‌کش آغاز می‌شود. برای آنکه چنین حادثهٔ خطیر و مهمی رخ دهد، انسان محتاج فضیلت و معرفتی است که با اعمال اخلاقی و معنوی در زندگی‌های حال و گذشته، و عشق به موجودات و تفکر در رنجهای آنان و نیاز به بوداها به دست می‌آید. قدرت بودهی چیتّه به حدی است که فضایل فراوانی را تحصیل می‌کند و بدی‌های کرمه‌ای فراوانی را از میان می‌برد<sup>۲</sup>.

**سوگند:** پس از پدیدار شدن بودهی چیتّه، طالب راه بُدهیستوه باید سوگندهای بُدهیستوه‌ها را در حضور کسانی که با آنها زندگی می‌کند و یا با همه بوداها و بُدهیستوه‌ها به عنوان گواه، یاد کند و براساس آن متعهد شود که بودا شود و برای نجات و رهایی دیگران کار کند. بستن نذر و یا یادکردن سوگند، برای بُدهیستوه از نتایج ارزش‌شناختی والایی برخوردار است. از این پس، این امر است که هدایتگر و مهارکنندهٔ سرنوشت

1. Edward Conze, P. 130-31.

2. Peter Harvey, P. 122.

کرمه‌ای و آغازگر طریق تکامل معنوی او است، که تا رسیدن به کمال سالیان سال را در برمی‌گیرد.

محتوای این سوگند برحسب موارد متفاوت است، اما به‌طور کلی در میان همه آنها این تصمیم وجود دارد که رهرو در همان حال که روشن‌شدگی خود را به تعویق می‌اندازد، برای نجات دیگران کوشش کند و اینکه آزادانه نیکی را به دیگران منتقل سازد و از این قبیل. سوترهای بودایی سوگندهایی را ثبت کرده‌اند که مخصوص چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته پانتئون بودایی است. مثلاً گفته می‌شود که آمیتابه براساس رشته‌ای از سوگندها تصمیم گرفت که زمین پاک را خلق کند تا در آنجا موجودات بتوانند برای شنیدن دهرمه، که بودا آنرا وعظ و تبلیغ کرد، متولد شوند. در سوترای دَسه بهومیکه (Dasabhumika) ده «آرزوی بزرگ» بدهیستوه را برمی‌شمرد که در میان آنها تصمیم به پرستش همه بوداها، حفظ و نگهداری دهرمه بودا، هدایت همه موجودات تا بلوغ و شکوفایی معنوی، و عمل به پارمیتاها [کمالات، فضیلت‌ها]، وجود دارد. مضمون هفت پیمان از ده پیمان بزرگی که در سوترای «گل‌آرایی» برای بدهیستوه‌ها مطرح شده است، به این صورت است<sup>۱</sup>:

براساس پیمان اول متعهد می‌شود که با خالصانه‌ترین ایمان و به بهترین صورت به همه بوداها احترام گذارد.

براساس پیمان دوم متعهد می‌شود که چشم به تعالیم بوداها داشته باشد و در حفظ آنها بکوشد و در پهنه گیتی حافظ و جویای حقیقت باشد.

در پیمان سوم متعهد می‌شود که به همه جاهایی که بوداها در آنجا ظهور می‌یابند (از هنگام وجود آنها در آسمان، نزول به زمین و جهان انسانی، ورود به رحم، رشد در رحم و تولد و جوانی و زندگی متأهلانه تا توبه و انزوا و روشن‌شدگی و نهایتاً ورود به نیروانده)،

1. Quoted by Gwilym Beckrlegge, PP. 359-60.

برود تا در بخشش، کسب تعالیم و کاربرد این تعالیم در مرحله عمل، پیشگام باشد. در چهارمین پیمان متعهد می‌شود که در فراهم‌آوردن اسباب و ابزار راه‌های تهذیب و تعالی مصمم باشد و یا به گسترش آموزش و هدایت مردمان بپردازد و تبیینی درست از شیوه طی کردن مراحل سلوک ارائه دهد و به ترویج اعمال موجودات روشن شده بپردازد. در پیمان پنجم متعهد می‌شود که به رشد و پیشرفت همه موجودات، اعم از مادی و غیرمادی، اندیشمند و غیراندیشمند، در همه قلمروها و ساحت‌های وجود اعم از جهان امیال و صور و بی صورتی بپردازد.

مضمون تعهد ششم او معرفت بی‌واسطه به تمایزات غیرقابل شمارش در همه جهان‌ها و ده جهت است که به شیوه‌های مختلف درهم تأثیر می‌گذارند؛ کوچک و بزرگ، بالا و پائین، راست و واژگون و... او سوگند یاد می‌کند که این تمایزات جهان را بفهمد و درک کند.

هفتمین تعهد و سوگند بزرگ این است که به همه موجودات نشان دهد که پاکی همه زمین‌ها در پاکی یک زمین و پاکی یک زمین در پاکی همه زمینهاست. آراستن<sup>۱</sup> سرزمین‌های بودایی<sup>۲</sup> بی شمار با پیرایه‌های نور، ورود به قلمرو متعالی و برین بوداها که فارغ از همه رنج‌ها و گرفتاریهاست و پاک و پیراسته و سرشار از موجودات فرزانه است، نشان دادن این امور به موجودات مطابق روحیات آنها برای تشویق‌شان، از دیگر تعهدات این پیمان هفتم است.

پس از ادای سوگند، او وارد مراحل سلوک خاص یک بدهیستوه می‌شود که در طی آن به تدریج مقامات و کمالات معنوی لازم برای ورود به نیروانه و مهمتر از آن، برای بودا

---

1. adornment  
2. buddha-lands

شدن را تحصیل می‌کند. زیرا براساس همان سوگند و تعهدی که دارد، مادامی که موجوداتی وجود دارند که رنج می‌کشند و به او نیاز دارند، در جهان می‌ماند و از ورود به نیروانه خودداری خواهد کرد. سوگند و تعهد درونی برای بدهیستوه، شرط اساسی آرمان بدهیستوه است که البته نه یکی از مراحل، بلکه شرط ورود به آنهاست. تعداد این مراحل یا بهومی‌ها (bhūmis) در دو فرقه هینه‌یانه و مه‌ایانه متفاوت است و در طول زمان نیز تغییراتی در آنها ایجاد شده است. در برخی طرح‌ها، این مراحل بسیار مفصل‌اند و روبه سوی خردشدن و جزئی‌شدن هرچه بیشتر دارند و در طرح‌هایی دیگر، مختصرتر و کلی‌تر هستند. از میان این طرح‌ها، می‌توان به طرح‌های هشت مرحله‌ای، ده مرحله‌ای، سی و هفت مرحله‌ای و پنجاه و دو مرحله‌ای و غیره اشاره کرد.

«برخی مکاتب، بویژه در شرق آسیا گرایش به تقسیم هرچه بیشتر و جزئی‌تر را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند و بر دفعی بودن تجربه روشن شدن تأکید می‌کنند. مثلاً مکتب چان یا ذن در تأکید بر اینکه روشن‌شدگی یک دگرگونی بنیادین در شعور و ادراک آدمی است، طرح مراحل یا بهومی‌ها را نادیده می‌گیرد. سنت‌های ریاضت‌جویانه نیز در همان حال که راه همه جانبه و مشروح تربیت معنوی را مقرر می‌دارند، تأکید می‌کنند که می‌توان در «خود همین بدن» به بوداگی رسید؛ بدین سان اهمیت راه سنتی بدهیستوه به همراه دوره طولانی و غیرقابل ادراک آمادگی معنوی را که برای نیل به بوداگی لازم است، به حداقل رسانده‌اند.<sup>۱</sup>»

از میان طرح‌های مذکور مشهورترین آنها در آئین مه‌ایانه، طرح گام‌های دهگانه و کمالات و فضایل دهگانه یا شش‌گانه است، که فهرست آنها را در سوترای دَشَه بهومیکه (Daśabhumikasutra) می‌توان یافت. براساس این طرح، بدهیستوه برای

1. Nakamura Hajim, PP. 268-9

رسیدن به مقصود باید ده مقام یا مرحله را طی کند و در هر مرحله یک فضیلت یا پارامیتا (Pāramitā) را به شکوفایی و کمال آن برساند. این فضایل در متون قدیمی‌تر در شش مورد ذکر شده، اما در سوترای مذکور و متون بعدی به ده مورد افزایش پیدا کرده‌اند که متقارن و هم‌نوا با مراحل دهگانه است.

اعتقاد بر این است که در مرحله هفتم، سالک این طریق به اوج مقام معنوی خود می‌رسد و از همه آلودگیهای انسانی پاک می‌گردد و از نتایج آن این است که دیگر برای او امکان تنزل یا سیرقهقرایی وجود ندارد.

### مراحل دهگانه :

این مراحل دهگانه به همراه کمالات همراه با آنها عبارتند از<sup>۱</sup> :

۱- مرحله شاد، مبتهج یا پرمودیتَه (pramudita) یا مقام بهجت و شادی. او در این مرحله از اینکه مددکار و یار موجودات است سرشار از سرور و ایمان است. در این مرحله، خود را در فضیلت دانه (dana) یا بخشش و سخاوت و ترحم کامل می‌کند و این امر با صرف بخشیدن ثروت، تعالیم، زندگی، اعضاء و حتی همسر و خانواده به نفع دیگران انجام می‌شود. شافتی دوه، از قدیسین بودایی در بخشی از کتاب خود دعا می‌کند که نتیجه تلاشها و خدمات او موجب رهایی دیگران از رنج و برخورداری آنها از ایمان و اخلاق و خرد و شفقت گردد. او حتی در عبارتی دعا می‌کند که رنج‌های جهانیان بر او وارد شود، یعنی اینکه کرم‌های بد دیگران را پذیرا گردد و فضایل خود را به آنها بخشد<sup>۲</sup>.

۱. در مورد مراحل راه‌بدهیستوه و کمالات و فضایل مقارن با آنها نک:

Peter Harvey (2000), PP. 126-30; Peter Harvey (1990), PP. 122-4; Edward J. Thomas, PP. 202-4; Edward Conze, PP. 135-9; L. Poussin, PP. 745-8; Gwilym Beckerlegge, PP. 361-4.  
2. Peter Harvey, P. 123.

۲- مرحله پاک و خالص یا ویملا (Vimalā) یا مقام خلوص و پاکی، که در آن او از همه ناخالصی‌ها آزاد است و خود را در شילה (śīla) یا ارزش‌های اخلاقی کامل می‌کند. او همچنین دیگران را وامی‌دارد تا از رفتارهای ناپسند پرهیز کنند، زیرا این امر منجر به نوزایی‌های تلخ و اسف‌انگیز می‌شود. رشد و پیشرفت تأملی او موجب می‌شود تا او بسیاری از بوداهای آسمانی را رؤیت کند.

۳- مرحله روشنایی بخش یا پربهاکری (Prabhākari)، در این مقام او نورانیتی را که از بصیرت خود به سرشت رنج‌آمیز و سوگناک جهان حاصل کرده است، به جهانیان می‌بخشد و خود را در فضیلت کشانتی (ksānti) یا بردباری و تحمل ارادی مصایب کامل می‌کند و خود را از خشم و نفرت و سایر آلودگیهای روح آزاد می‌سازد.

۴- مرحله تابان، فروزان یا آرچ هیسمتی (Archismati) او همچون مشعلی فروزان است و عمل او جهل دانه‌بندهای نادرست را می‌سوزاند و از میان می‌برد. او در این مرحله در خود ویریه (vīrya) یا فضیلت «همت» وجد و جهد را کامل می‌کند و این امر در نتیجه اشتیاق و شفقت فزاینده حاصل می‌شود. در این مرحله، بر آگاهی و مراقبه تأکید می‌شود، و بدهیستوه بر نفس و خودآگاهی خویش تسلط پیدا می‌کند. این مرحله، بویژه متناسب با اعمال و ریاضت‌های انضباطی راهبان و راهبه‌هاست.

۵- مرحله‌ای که غلبه بر آن مشکل است یا سودورجیا (sudurjya). در این مقام بدهیستوه خود را از جهت دهیانه (dhyana) یا تأمل و مراقبه کمال می‌بخشد و به کنه چهار حقیقت شریف پی می‌برد. در این صورت به آسانی مغلوب نیروی Mara یا شیطان اغواگر بوداها نمی‌شود.

۶- مرحله روی گردانیده به سوی<sup>۱</sup> [بودا] یا ابھی موکھی (Abhimukhi). در این مقام، او خود را از جهت پرچنا (prajñā) یا معرفت کامل می‌کند و به پیدایش مشروط<sup>۲</sup> حقیقت سلسله علل و معلول‌ها که علت رنج است، آگاه پیدا می‌کند و تهیت همه موجودات و چیزها را می‌فهمد و آن را چون مطلق می‌شناسد و بر این اساس آگاه می‌شود که او خود چیزی جز یک پندار در جهان پندار و خیال نیست و می‌کوشد تا این پندارها (موجودات) را از رنج برهاند. او در این مقام رو در روی نیروانه قرار می‌گیرد و می‌تواند جریان بازپیدایی تولدهای مجدد را متوقف کند و به نیروانه داخل گردد، اما «شفقت عظیم» مهایانی او مانع این امر می‌گردد، و چون با آگاهی به سلسله علل و معلول‌ها به اصول بوداهای کامل رو می‌کند، چنان نامگذاری شده است.

۷- مرحله دور رونده یا دورم گما (Duramgamā). در این مرحله وظیفه عملی بدهیستوه به نتیجه می‌رسد و این توانایی را پیدا می‌کند تا حقیقت را آنگونه که هست دریابد. این مقام، جمع بین مقامات پیشین است و بودهی ستوه به منتهای کمال خود رسیده و از همه آلودگیهای بشری پاک و منزّه گردیده و یک «وجود بزرگ» یا مهاستوه (Mahā-Sattva) شده است و واجد کلیه شرایط یک بودای آینده است. او در این مقام می‌تواند در راستای وظیفه بدهیستوه‌ای خود و به عنوان نجات بخشی آسمانی به هر شکل و در هر کجا که بخواهد درآید و در یک زمان به چند صورت نمودار شود و بر این امر آگاه است که چگونه باید هر موجودی را موافق طبیعتش هدایت کند. مقام هفتم، واپسین دوره آمادگی جهت کسب مراحل بعدی است که نهایت آن دست یافتن به معرفت بوداهاست.

---

1. turned towards  
2. conditioned arising  
3. far going

بُدھیستوه در این مرحله خود را از جهت اوپایه (upāya) یا خبرگی در وسیله<sup>۱</sup> (یا طریق) کمال می‌بخشد که لازمه کمک به رهایی دیگران است.

۸- مرحله ثابت و حرکت ناپذیر یا اچلا (Acalā)، در این مرحله، که بدھیستوه به مرتبه‌ای بازگشت‌ناپذیر دست یافته است، دیگر مطمئن است که به مقام بودایی می‌رسد. اکنون او که از جهان باز پیدایی رهایی یافته، در نتیجه اندیشه‌ها متأثر نمی‌شود، چه در مورد خلاء یا پوچی، و یا در مورد پدیده‌ها، و یا علت و بی‌علتی. و خود را به‌طور اختیاری در سراسر سطوح مختلف وجود بسط می‌دهد و متجلی می‌سازد و خود را در پرنیده‌ها (pranidhāna) یا عزم راسخ کمال می‌بخشد.

۹- مرحله نیک گوه‌ران یا سادهومتی (sādhumati)، در این مقام بدھیستوه کاملاً منزّه است و کردارش آلوده به ثمرات خوب و بد نیست. او به آرامش فردی خود راضی نمی‌شود و در صدد اشاعه و انتشار آن برمی‌آید و می‌کوشد همه موجودات را از برکت آن برخوردار کند و به سوگندی که خورده، عمل نماید. در این مرحله خود را از لحاظ بله (bala) یا قدرت و استقامت کمال می‌بخشد. اولکیتشوره در این مرحله است.

۱۰- مرحله میخ دهرمه یا ابرآیین یا دهرمه مگها (Dharmameghā)، در این مرحله بودهی ستوه به مقام بودایی می‌رسد و خود به مثابه ابری می‌شود که باران رحمت و شفقت بر زمین می‌افشانند تا آلودگیها را پاک کند. تن او تابان می‌شود و پرتوافشانی آغاز می‌کند و تمامی جهان را روشن می‌سازد و برای کمک به موجودات، معجزاتی به کار می‌گیرد. او در این مرحله، همان‌گونه که وضعیت فعلی می‌تیره است، در میان بدھیستوه‌های پایین‌تر بر نیلوفری در بهشت توشیته می‌نشیند و با برخوردارگی از کمال معرفت یا جنانه (jnāna)،

۱. skill in means. این اصطلاح در صفحات بعد توضیح بیشتری می‌یابد.

رهایی‌های دهگانه بدهیستوه‌ها را بدست می‌آورد.

به این ترتیب، کمالات دهگانه‌ای که بدهیستوه‌ها باید به تدریج بدست آورند، عبارتند از: دانۀ یا بخشش، شیله یا اخلاق و ارزشهای اخلاقی، کُشانتی یا صبر و شکیبایی، ویریه یا سعی و کوشش، دهیانه یا تأمل، پُرَجنا یا فرزاندگی، بصیرت و بینش متعالی، که مجموعاً شش کمال را تشکیل می‌دهند؛ چهار کمالی نیز که بعدها به اینها افزوده شد عبارتند از: اوپایه، یا مهارت در به‌کارگیری وسایل، پُرَئدهانه یا عزمِ راسخ، بَله یا قوت و استقامت و جنانه یا معرفت.

در مکتب هینه‌یانه، ترتیب و نوع کمالاتی که به بودای آینده نیست می‌دهند به‌گونه‌ای دیگر است<sup>۱</sup>:

۱- بخشش و انفاق ۲- ارزشهای اخلاقی ۳- کناره‌گیری از دنیا ۴- خرد یا معرفت ۵- نیرو یا همت و قدرت اراده ۶- خویشتنداری و شکیبایی ۷- صداقت ۸- ثبات قدم ۹- نوعدوستی و خیرخواهی ۱۰- بی‌اعتنایی و خونسردی.

در یکی از متون کهن بودایی مراحل رشد و پیشرفت بدهیستوه با تشبیه به مراحل ارتقای یک سرباز چنین گزارش شده است که «یک بدهیستوه که به وظیفه خود عمل می‌کند، به تدریج و اندک‌اندک به‌پیش می‌رود تا لحظه‌ای که به فرزاندگی و حکمت متعالی<sup>۲</sup> می‌رسد. او به‌وسیله کمالات ششگانه، نقش و کارکرد خلاً<sup>۳</sup> را درک می‌کند. پس از آنکه در طی دوره‌های بی‌شمار به اندوختن کمالات و امتیازات پرداخت، وظیفه بوداها را به‌عهده می‌گیرد. او همچون یک سرباز جوان پیشرفت می‌کند، در آغاز فقیر است، ولی به تدریج ثروتمند می‌شود. با تلاش به درجه سروانی ارتقا می‌یابد تا سرانجام... و زیرپایه یک و

1. Cf.L.Poussin, P. 740

2. Supreme Wisdom

3. Practice of Void

فرمانروای جهانی و پادشاه خدایان می‌گردد. به همین سان نیز، کسی که در طریق بدهیستوه سلوک می‌کند... اندیشه‌اش روشن می‌شود و به ترتیب (فضایل و کمالات) بخشش، رعایت ارزش‌های اخلاقی، مسیر، رشادت، تأمل و خرد و فرزاندگی را تحقق می‌بخشد. او گرایشهای ششگانه قلب (رضایت، خشم، اندوه، شادی، عشق و نفرت) را مغلوب می‌کند. سه مایه فساد<sup>۱</sup> (شوق، نفرت و حماقت) و هویت ظاهری اسکنده‌ها را انکار می‌نماید. او به سه گونه آزادی روی نموده و به جایگاهی غیرقابل بازگشت می‌رسد و به وضعیتی دست می‌یابد که تنها با یک تولد به هستی پیوسته است. همان گونه که در صیقل‌دادن یک آینه، آن را شسته، تمیز و صاف می‌کنند، به گونه‌ای که نازک و ظریف گردد تا سرانجام تصویر را منعکس سازد، به همین سان نیز، بدهیستوه به شش کمال تحقق می‌بخشد و به ذخیره فضایل و امتیازات می‌پردازد تا لحظه‌ای که یک بودا شود و جهان را نجات بخشد. او از همه موجودات بسان فرزندان خود مراقبت می‌کند. ریاضت، و انجام تدریجی وظایف بدهیستوه همچون کامل شدن تدریجی قرص ماه، رویش گیاه و یا ساختن خانه است که به دنبال آن ضیافت افتتاح می‌باشد»<sup>۲</sup>.

از بررسی و تأمل در فضایل فوق و ویژگی‌هایی که در منابع مختلف مهیانی برای بدهیستوه‌ها ذکر شده است، می‌توان به سه امتیاز و یا ویژگی اساسی در آنها پی برد: پرجنا (prajñā) یا فرزاندگی، خردمندی و حکمت که معرفت را نیز شامل می‌شود؛ کرونا (karunā) یا رحمت و شفقت و محبت؛ او پایه-کوشلیه (upāya-kauśalya) یا مهارت در به کارگیری ابزار و استادی در روش.

بر اساس ویژگی اول، بدهیستوه به سرشت حقیقی اشیاء و موجودات آگاه می‌شود و با

1. Poisons

2. Caryāmārgabhūmisūtra, quoted by Edward J. Thomas, P. 205

بصیرت و ادراک بی‌واسطه خود ماهیت خلأگون آنها را احساس می‌کند. براساس آنچه در آثار مکتب مهاییانی و یجنانه واده (vijñānavāda) آمده است، بدهیستوه از طریق شناخت‌های چهارگانه ذیل به بالاترین سطح خود ارتقا می‌یابد: شناخت و آگاهی به اینکه همه موجودات چیزی جز آفریده‌های ذهن افراد نیستند. ۲- آگاهی به اینکه همان‌گونه که موجودات حقیقتی ندارند، خاستگاه وجود و انهدامی نیز ندارند. ۳- شناختن احساس خاصی که براساس آن همه موجودات خارجی به موجود و معدوم تقسیم می‌شوند. ۴- شناختی که نتیجه شناخت‌های قبلی است و عبارت است از ادراک درست ماهیت و سرشت همه موجودات<sup>۱</sup>.

در مکتب مهاییانه این معرفت با ایمان و بهکتی همراه می‌شود و یا به تعبیری مقدمه ورود به آن است. ناگارجونه در شرح بر پرچنا پارمیتا می‌نویسد:

«ایمان، فرورفتن در اقیانوس قوانین بوداست و معرفت کشتی‌ای است که در آن می‌توان به این اقیانوس پا نهاد<sup>۲</sup>».

براساس ویژگی دوم که تأکید بر آن از مهمترین وجوه تمایز مکتب مهاییانه از هینه‌یانه است، بدهیستوه رحمت و شفقت نسبت به همه موجودات را با ویژگی پیشین، یعنی آگاهی نسبت به تهی بودن و خلأگون بودن آنها، درهم می‌آمیزد. بصیرت به یکسانی موجودات و اینکه «خود» و «دیگران» به‌طور یکسان، تهی هستند و تفاوتی اساسی در میان نیست، این احساس شفقت نسبت به موجودات و بذل رحمت نسبت به آنها را تقویت می‌کند. با آنکه او می‌داند که در واقع موجوداتی وجود ندارند، اسارتی وجود ندارد، و رهایی و نجاتی وجود ندارد، اما از این حقیقت متعال تردیدی به خود راه نمی‌دهد و احساس همدردی و شفقت او

1. Dasgupta, P. 150

2. Radhakrishnan, PP. 602-3

را وامی دارد که به وظیفه خود، که رساندن همه موجودات خیالی از اسارت خیالی به رهایی خیالی است ادامه دهد؛ زیرا تا مادامی که موجودات به بصیرت و اشراق نرسیده باشند رنج و اسارت و رهایی برای آنها واقعی است. بدینسان، بدهیستوه از دو منظر به موجودات می‌نگرد، یکی از منظر تجربه و آگاهی متعارف، که براساس آن رنج و اسارت و رهایی و خلاصه همه چیز حقیقی است و دیگر از منظر آگاهی برتر و یا پرچنا که بازنمای حقیقت متعال است، که براساس آن هیچکدام از امور مذکور حقیقی نیستند<sup>۱</sup>. نگرستن از منظر اول بدهیستوه را در اعمال وظیفه‌اش که رحمت و شفقت نسبت به موجودات است یاری می‌کند. عاملی که در روح تعالیم خود بودا وجود دارد:

«ای بهیکشو، اکنون برای کمک به توده مردم حرکت کن، برای سعادت بشر، از سر شفقت و دلسوزی آموزه‌ای را بیاموزان که در آغاز شکوهمند، درمیانه شکوهمند و در انجام شکوهمند است، همچنان که در باطن<sup>۲</sup> و ظاهر<sup>۳</sup>»<sup>۴</sup>.

اما ویژگی سوم، یا مهارت در به‌کارگیری ابزار و وسایل، همان چیزی است که بدهیستوه را قادر می‌سازد تا دو ویژگی پیشین را با یکدیگر هماهنگ و سازگار کند. این ویژگی، که به ویژه در آیین مهاییانه مورد توجه و تأکید قرار دارد، به معنای انتخاب بهترین روش، و مناسب‌ترین آموزش، متناسب با شرایط مخاطبان و منافع موجودات است. براساس این اصل بدهیستوه‌ها رسماً این مجوز را می‌یابند که از سر شفقت و رحمت، در صورتی که منافع موجودات اقتضا کند، به نقض احکامی بپردازند و یا اعمالی را انجام دهند که در شرایط عادی و برای افراد دیگر جایز نیست و موجب سرزنش است. مثلاً یک بدهیستوه

1. Spirit

2. Letter

3. Cf. Peter Harvey (1990), P. 121; Radhakrishnan, PP. 602-3; Dasgupta P. 127; D.T. Suzuki, PP. 298-9

4. Anguttara Nikāya, ii. 245, quoted by Radhakrishnan, PP. 602-3

حتی ممکن است برای کمک به دیگران عملی انجام دهد که فرجامش دوزخ باشد. اساس این آموزه در این اندیشه نهفته است که تعالیم بودا اساساً ابزاری مقدماتی برای رساندن موجودات به روشن‌شدگی و رهایی است، و این ابزار ممکن است متناسب با زمان و مکان و شرایط تغییر کند، آنچه در یک زمان مناسب است، ممکن است در زمانی دیگر نامناسب باشد. این آموزه به واقع توجیه و یا توضیحی بود بر تغییرات و ابداعاتی که در آئین‌مهیانه در طول زمان رخ داده بود. بر این اساس، تعالیم بودایی اولیه آموزه‌هایی پنداشته می‌شدند که متناسب با سطح محدود مخاطبان مطرح شده‌اند و اعتبار مطلق و ارزش ذاتی و غایی ندارند.

در سوترای نیلوفر، که این آموزه در مراحل بسط اولیه‌اش در آن آمده است، این روش به بودا نسبت داده شده است. بودا در این اثر، با استفاده از تمثیل‌ها و تشبیه‌های مختلف دلیل ضرورت به‌کارگیری این روش را توضیح می‌دهد. در این اثر، بودا به صورت مردی فرزانه و یا پدری مهربان ترسیم شده که فرزندان نادانش از پذیرش سخنان او سرباز می‌زنند و بدان گوش نمی‌سپرنند. او برای قانع ساختن آنها در پذیرش سخنانش، از این روش مدد می‌جوید و معتقد است که این تنها راه برای زدودن نادانی و وارد کردن افراد در مسیر رهایی است. با آنکه چنین روشی گاه مستلزم دروغ‌گویی و دورویی است، اما انگیزه شفقت و خدمت به موجودات، آن را جبران می‌کند و دامن بدهیستوگان را از آلودگیها مبرا می‌دارد<sup>۱</sup>. تنها یک هدف وجود دارد و آن هم حقیقت است، اما راهها، روشها، وسایل و یا به اصطلاح «اوپایه»های متعدد وجود دارد که همه از محبت و رحمت عام دهرمه کایه (یا حقیقت متعال) نشأت می‌گیرند، و به یکسان در هدایت مردم به سوی بینش متعالی و خیر و صلاح جهانی مفید و مؤثر هستند. بدینسان، می‌توان چنین گفت که در اعتقاد بودائیان

1. Cf. John Bowker (ed.), P. 1008; D. T. Suzuki, PP. 64, 298

مهایانی، جهان چیزی جز نمایش عظیم اوپایه‌ها نیست که دهرمه کایه برای تحقق بوداگی همه موجودات جاندار به اجرای آن می‌پردازد<sup>۱</sup>.

ویژگی‌های دوم و سوم تقریباً مکمل و یا به نوعی مرادف هم‌اند و در تقابل با ویژگی اول قرار دارند، زیرا به تعبیر سوزوکی «پرجنا یکتا، کلی و بیان‌گر اصل همسانی است، درحالی‌که اوپایه، کثیر و اصل کثرت است». با این همه، ویژگی مهم بدهیستوه این است که با توجه به نگرش به موجودات از دو منظر، این دو را باهم جمع نماید به گونه‌ای که همچون خصوصیتی مکمل، در خدمت کمال و پیشرفت او باشند. ویمله‌کیرتی، از شخصیت‌های برجسته بودایی در سوترایی به همین نام، در ضرورت جمع میان این دو چنین نوشته است: «پرجنا، مادر بدهیستوه، و اوپایه پدر اوست، هیچ رهبر بشری نیست که زاده این دو نباشد»<sup>۲</sup>.

هر کدام از فضایل و کمالات دهگانه بدهیستوه‌ها، اعم از سه فضیلت مذکور و سایر فضایل، در ارتباط با بدهیستوه و مخلوقات و نیز سایر فضایل، نقشی را ایفا می‌کنند. مثلاً سه فضیلت اول تا سوم یعنی فضایل «بخشش»، «ارزشهای اخلاقی» و «شکیبایی» شکل‌دهنده ابزار و قابلیت‌ها و شایستگی‌های بودای آینده هستند، که به وسیله فضیلت «همت و قدرت اراده» ادامه می‌یابند و در طول زمان ثمراتی هرچه عالی‌تر و ارزشمندتر به بار می‌آورند و نهایتاً آنچه را که کالبد مادی بودا یا روپه کایه (rūpakāya) نامیده می‌شود، تحقق می‌بخشند، خواه این کالبد آراسته به سی و دو نشان و امور دیگری باشد که شاکیمونی آنها را به ظهور رسانند، و خواه کالبد به اصطلاح «بهجت و سرور» باشد که بودایان برای انبوهی از بدهیستوگانی که آنها را پرستش می‌کنند به نمایش می‌گذارند. با

1. Cf. D. T. Suzuki, PP. 298-9

2. Cf. Loc. cit

وجود این، فضایل سه‌گانه فوق‌آنگاه شایسته عنوان فضیلت هستند که با نور «معرفت» یا پرچنا روشن شده باشند؛ مثلاً آنگاه نیکوکاری و بخشش، ارزشمند و فضیلت محسوب می‌شود، که نیکوکار، برای هیچکدام از سه موضوع نیکوکاری، نیکوکار و فردی که به او نیکی شده حقیقت جوهری قائل نباشد، در این صورت این عمل، فوق طبیعی یا لوکوتره (lokottara) خوانده می‌شود، و اگر چنین نباشد، به آن لوکیکه (laukika) یا طبیعی و دنیوی گفته می‌شود که فاقد ارزش لازم است.

با آنکه پرچنا، راهنما و روشنگر این امور است، خود نیز نمی‌تواند بدون این کمالات وجود داشته باشد، زیرا معرفت نه تنها نیازمند به وجود زمینه‌ای پاک و پیراسته است که در آنجا بوجود آید و گسترش یابد، بلکه نیازمند به تمرین‌های عملی نیز هست؛ صرف وجود دیدگاه‌های نظری و انتزاعی در -مورد آموزه «بی‌خودی» یا نیستی خود<sup>۱</sup> و آموزه نیستی اشیا<sup>۲</sup> یا دهرمه‌ها نمی‌تواند توهمی را که موجب باور ما به «خود» و «اشیاء» است، از میان ببرد، مگر آن که تمرین مدام و فزاینده بخشش و نودوستی به ما بیاموزد که مصالح، اجسام و زندگی خود را فداکنیم.

فضیلت «معرفت» با فضیلت «همت» تداوم می‌یابد و به وسیله فضیلت «تأمل»<sup>۳</sup> یا «تفکر»<sup>۴</sup> (دهیانه یا سمادهی)، شاداب می‌شود و تازه می‌ماند<sup>۵</sup>. به همین ترتیب، سایر فضایل و کمالات نیز در ارتباط با یکدیگر و مکمل یکدیگرند.

همانگونه که بیشتر اشاره شد، به جز طرح مشهور گام‌ها و کمالات دهگانه، طرح‌های

- 
1. Nothingness of The Ego
  2. Nothingness of Things
  3. Meditation
  4. Contemplation
  5. Cf. L.Poussin, PP. 740-41

مفصل‌تری نیز در متون بودایی ذکر شده که از ذکر آنها می‌گذریم<sup>۱</sup>.

### منابع و مأخذ:

- رینولز، فرانک، آئین‌های کنفوسیوس و دائو و بودا، ترجمه غلامرضا شیخ زین‌الدین، تهران، ۱۳۷۹.
- شومان، ولفانگ، آئین بودا، ترجمه ع. پاشایی، تهران، انتشارات فیروز، ۱۳۷۵.
- Beckerlegge, Gwilym (ed.), *The World Religions Reader*, London and New York, Routledge, 1998.
- Bowker, John (ed.), *The Oxford Dictionary of Religions*, , New York, Oxford University Press 1997.
- Conze, Edward (ed.), *Buddhist Texts*, New York, Harper and Row Publishers 1964.
- Dsgupta, S. , *A History of Indian Philosophy*, Delhi, Motilal Banarsidas Publishers 1975.
- Fischer- Schreiber, Ingrid, "Pratyeka Buddhas", in *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*, Stephan Schumacher (ed.), Boston, Shambhala, 1994.
- Hajim, Nakamura, "Boddhisattva Path", in *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Mac Millan, 1987.
- Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhism*, Cambridge University Press, 1990.
- Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics*, Cambridge University Press, 2000.
- L. Poussin, "Boddhisattva", in *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James, Hastings (ed.) Edinburgh, Charles Scribner's Sons, 1980.
- Snellgrove, David, "Celestial Buddhas and Boddhisattvas", in *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Mac Millan, 1987.
- Suzuki. D.T. *Outlines of Mahayana Buddhism*, Delhi,

---

1. Cf. Nakamura Hajim, PP. 268-9

---

Munshiram Manoharlal, 1907.

- Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, New York, Dover Publications, 2000.

- Williams, M. Monier, *Buddhism*, Delhi, Munshiram Manoharlal 1889.